کانون وکلا

سال چهارم | آبان‌ماه ۱۳۳۱ | شماره مسلسل ۳۶

استقلال کانون

همانطور که برای هر شخص حقیقی در طی طول سنین بهترین لحظه عمر هنگامیست که دوران کودکی را پایان داده برشد قانونی میرسد وزمام امور خود را بدست گرفته وارد زندگانی و خدمات اجتماعی میشود . یك شخص حقوقی یا جامعه هم باارزش ترین لزمنه موجودیت خودرا روزی میداند که مستقلا بانجام وظائف وتکالیف قانونی یا اجتماعی خود قادر گردد .

بشریت حتی درهمان ایامی که بحکایت تاریخ درغارها وبینوله‌ها میزیست وهنوزبفوائد تشکیل اجتماع وملیت پی نبرده بود برای دفاع از حدود وحقوق طبیعی که داشت بحکم ضرورت ناچار از توسل بقدرت اطلاع وبیان افراد بصیر خود بود واز اینجاست که میتوان تاریخ پیدایش وکیل وعنوان نمایندگی ووکالت را مبدأ گرفت ودانست که درجوامع بشری همیشه وکلا ازعناصر برجسته ومبرز اجتماع شناخته میشدند .

چگونگی تحولات این شغل شریف وحالات متنوع مشتغلین باین حرفه ذیقیمت از بدو تاریخ تاقرن معاصر درکشورهای مختلفه دنیای متمدن گوناگون ودرایران عزیز (که مهدپرورش وتنعم نیاکان ما وماست) نیز جه‌قبل ازظهور نور اسلام وجه بعدازآن تاعصر استقرارمشروطیت هر کدام تاریخی جداگانه دارد . همچنین کیفیت اجتماعات خصوصی کوچك وبزرك وکلا دردوره مشروطیت که منتهی بتشکیل کانون بصورت فعلی گردید دارای سابقه و تفصیلی است که هرقسمت در جای خود هم‌شیرین وهم‌شنیدنیست ، ونسبت بهر کدام درآینده بسط‌مقال خواهد شد .

نتیجه آنکه این مؤسسه مفید که یکی از ارکان دستگاه قضائی کشور است . از نظر

احتیاج عامه و بینوایان براهنمائی و معاضدت قضائی بصورتی ساده و مختصر در بچبوحه دوره دیکتاتوری بیست ساله گذشته بوجود آمد و امور آنرا مقررات خاص جریان میداد که چون کافی نبود تغییر یافت و بالاخره بوضع قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ منتهی گردید .

این قانون که از همان ابتدا باوضع شغلی و شخصی افراد این جامعه غیرمتناسب و مستلزم محرومیتهای نابجائی بود باشدت غفلتی که درمحیط وقت وجود داشت مورد اعتراض شدید وکلا واقع گردید و بکرات تغییر و لااقل اصلاح مواد موهن و تبدیل آن بمقررات مناسب دیگر از طرف هیئت های مدیره کانون تقاضا شد و در وهله اخیر بعد از تدوین و اصلاح مواد لازمه و شور و تصویب آن در کمیسیونهای متشکل از شخصیتهای عالی مقام قضائی بصورت لایحه قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شد ولی آنچه بجائی نرسید فریاد بود و تشنجات سیاسی (که ناشی از تحریکات بیگانگان و محیط را همواره آشفته میداشت) لایحه ضروری مزبور را در کمیسیون مربوطه مدفون و کان لم یکن گذاشت .

حقیقتاً تصور نمیرفت که جریان تحولات متناوب کشور دارای نخست وزیری شود که دکتر عالی رتبه درحقوق بوده نظر بمقتضیات وقت مهیط اختیارات و مجاز در وضع و اصلاح قوانین شود و درضمن اصلاح امور قضائی متوجه تذکرات مفیده هیئت مدیره کانون وکلا و وضع خجالت آور جامعه وکالت گردد .

این پیش آمد طلیعه نجات وکلا از مضیقه ها ، بمورد و محرومیت ها بوده و برای عملی شدن آن ماده واحده ای که درقسمت اخبار کانون این شماره مندرج است تدوین گردید و روز ٤ شنبه ۱٤ آبانماه ۱۳۳۱ (که جلسه فوق العاده هیئت مدیره برای پذیرائی از جناب آقای لطفی وزیر محترم دادگستری منعقد بود) بایشان تقدیم شد و ایشان بعد از مذاکرات و مشاوره ای که حضوراً بعمل آوردند لزوم تصویب آنرا معتقد شده قبول کردند شخصاً آنرا بجناب آقای دکتر مصدق تقدیم نمایند که جریان خود را طی نموده بصورت لایحه قانونی تصویب و اجرا گردد .

وجود شخصیتی مانند جناب آقای لطفی در رأس سازمان قضائی کشور تأئید غیبی این اقدام بشمار است .

ایشان با داشتن تحصیلات عالیه و سابقه قدیم توأم با اطلاعات جدید (و سابقه خدمت بعالم مطبوعات بالنتر مجله ای مخصوص برای ترویج اتحاد عالم اسلام) بخدمات قضائی وارد شده از ریاست دادگاه بخش و شهرستان و استان گرفته تا ریاست شعبه دیوان عالی کشور درجات ارتقاء را متناوباً طی کرده اند .

بدیهی است یک چنین شخصی که عملا با جریانات مختلف و تماس با افراد وکلا و اهمیت جامعه وکالت مواجه بوده تجاربی متعادی دارد بیشتر از دیگران بنواقص قانون وکالت واقف میباشد و تعجبی نیست اگر شخصاً باینکار توجه و اقدام نمایند .

این پیشنهاد فعلا درجریان شور و اصلاح است و کانون وکلا که برای روز ۱٤ آبان ارزش تاریخی قائل است باسپاسگذاری تسریع در تصویب و اجرای آنرا انتظار دارد .